

مناسبات راهبردی جدید چین و پاکستان و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای جنوب آسیا

زیبا فرزین‌نیا^۱ / بهروز ایاز^۲

^۱. کارشناس ارشد مسائل غرب آسیا، z_farzin@yahoo.com

^۲. کارشناس مسائل پاکستان، beh70.ayaz@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۵)

چکیده

چین و پاکستان در طول نیم قرن گذشته روابط گسترده و استراتژیک با هم داشته‌اند. سطح بالای روابط این دو کشور تا حدی است که برخی روابط چین و پاکستان را همانند ایالات متحده و اسرائیل دانسته و پاکستان را اسرائیل چین در جنوب آسیا به شمار می‌آورند. با این حال، این دو کشور سال ۲۰۱۶ را، سال گسترش روابط دیپلماتیک با یکدیگر اعلام کردند. اینکه چه عواملی باعث گسترش هرچه بیشتر روابط این دو کشور در این سال شده و چه تأثیری در سطح منطقه جنوب آسیا به همراه خواهد گذاشت، سؤال اصلی این نوشتار را شکل می‌دهد. این نوشتار نیز با توجه به گسترش مناسبات اقتصادی (تکمیل طرح جاده ابریشم و کریدور اقتصادی این دو کشور)، گسترش روابط واشنگتن و دهلی نو را مد نظر قرار داده است. همچنین، پیامد این مناسبات جدید را رویارویی بازیگران مذکور (چین و پاکستان در برابر آمریکا و هند)، بر هم خوردن نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا و رقابت بیشتر بین این بازیگران می‌داند که جنگ سرد جدیدی را در این منطقه به همراه خواهد داشت.

▪ واژگان کلیدی:

چین، پاکستان، هند، مناسبات راهبردی، آمریکا.

مقدمه

چین و پاکستان طی پنجاه سال گذشته روابط گسترده‌ای داشته‌اند که این ارتباط با ایجاد توافقنامه‌ها و همکاری‌هایی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بین دو کشور شکل گرفت. به عبارت دیگر، از اوایل دهه ۱۹۶۰ تاکنون، این روابط دوستانه به قوت خود باقی مانده و در چند سال اخیر مناسبات این دو گسترش روز افزونی یافته است. عوامل مهمی موجب تقویت و ارتقای سطح این رابطه از گذشته تا حال بوده است. وجود دشمن یا رقیب مشترکی به نام هند و نیاز دو کشور به همکاری اقتصادی، از جمله مهمترین این عوامل بوده که خود نشان دهنده تعریف مشترک این دو بازیگر از تهدیدها و منافع ملی بود.

در اوایل، تنها عامل مهم دوستی این دو کشور، دشمنی با هند بود. درگیری مرزی هند با چین در سال ۱۹۶۲ و همچنین اختلافات عمیق آن با پاکستان بر سر جامو و کشمیر، عامل وحدت بخش پکن و اسلام آباد برای ایجاد رابطه با هم بود. اما با گذشت بیش از یک دهه و برنامه‌ریزی عظیم چین برای پیشرفت و توسعه (انتخاب اقتصاد به عنوان مهمترین سلاح خود) و کمرنگ کردن دشمنی با هند، نه تنها روابط چین و پاکستان از بین نرفت، بلکه اهمیت بیشتری نیز یافت. بدین معنی که تغییر تعریف چین از هند، از دشمن سیاسی به رقیب اقتصادی، نیاز به توسعه همکاری اقتصادی برای تقویت اتحاد بین دو کشور (رفع نیاز اقتصادی و تقویت اتحاد)، تضعیف اتحاد امریکا و پاکستان، راههای امن تأمین انرژی برای چین، کوتاه کردن مسیر برای چین جهت دستیابی به منطقه استراتژیک خلیج فارس از مهمترین عوامل گسترش روابط دو کشور است.

از سوی دیگر، پاکستان به دلیل نیاز به پیشرفت اقتصادی و تأمین امنیت در برابر هند، نیاز به متحد قدرتمندی به نام چین داشت. کمک‌های هسته‌ای و نظامی چین به پاکستان در این راستا قابل ارزیابی است. اگر به این عوامل مبحث ناامنی و بی‌ثباتی سین کیانگ ناشی از فعالیت افراط‌گرایان مذهبی این منطقه خودمختار (که پاشنه آشیل چین برای تحقق برنامه‌های کلان اقتصادی خود بود) و در گزارش دفاع ملی چین به آنها اشاره شده و

ارتباط آنها با طالبان که کنترل آن تنها توسط پاکستان امکان‌پذیر بود را اضافه کنیم، همکاری‌های این دو کشور و رابطه روز افزون آنها را بهتر درک می‌کنیم. بنابراین با سنجش مجموعه این عوامل بود که چین در سال ۲۰۱۵ درصد سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری در پاکستان بود.

با این حال، با آغاز سال ۲۰۱۶ و در پی سفر راحیل شریف، رئیس ارتش پاکستان به چین، این دو کشور سخن از گسترش روابط دیپلماتیک به میان آوردند. این در حالی بود که چندی پیش از آن، هند دست به آزمایش موشک‌های مافوق صوت زد که با حمایت ضمنی واشنگتن همراه بود. در عین حال اگر به مانور نظامی ایالات متحده در سال جدید در دریای جنوبی چین و موافقت‌نامه ایران، هند و افغانستان نیز برای توسعه بندر چابهار (کریدور شمال جنوب) و سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلار برای آن، که از نظر پاکستان به معنای باز شدن راه تجاری هند و انزوای پاکستان و رقیبی برای بندر گوادر است، اشاره کنیم می‌توان درک بهتری از مناسبات و راهبرد جدید پکن - اسلام آباد ارائه داد. بدین ترتیب، روابط پکن - اسلام آباد وارد مرحله جدیدی شد و تحت تأثیر این عوامل شکل جدیدی به خود گرفت. در ذیل با نگاهی تاریخی به روابط پکن - اسلام آباد، به بررسی و تحلیل روابط این دو کشور پرداخته و سپس به بررسی ابعاد و پیامدهای آن بر منطقه جنوب آسیا خواهیم پرداخت.

تاریخچه روابط چین و پاکستان

با تشکیل دولت کمونیستی در چین، پاکستان اولین کشور مسلمان و سومین کشور غیر کمونیستی بود که آن را به رسمیت شناخت. پاکستان همچنین مخالف قطعنامه‌های سازمان ملل علیه چین در جریان جنگ کره بود. با این حال اگر آغاز روابط دیپلماتیک این دو کشور را در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ بدانیم (Kayani and Others:2013:2)، شکل‌گیری روابط سیاسی این دو به طور جدی باید مربوط به دهه ۱۹۶۰ دانست. یعنی زمانی که چین در سال ۱۹۶۲ و پاکستان در ۱۹۶۵ با هند درگیر جنگ بودند. از این جهت، یکی از مهمترین عوامل نزدیکی این دو کشور، وجود دشمن مشترک (هند) بوده است (فرزین نیا، ۱۳۸۵:۵۱۸).

البته در این دهه وقایع دیگری نیز رخ داد که موجب نزدیکی هر چه بیشتر پاکستان و چین شد. از جمله این عوامل عبارتند از: رأی دادن پاکستان در سازمان ملل به بازگرداندن مشروعیت برای دولت کمونیستی چین، حل و فصل مسائل مرزی سین کیانگ و مرزهای شمالی پاکستان در سال ۱۹۶۳ (Kayani and Others:2013:455)، سردی روابط چین و شوروی، پیمان‌های دفاعی آمریکا و هند، اختلاف چین با ژاپن در مورد بعضی از جزایر، ساخت ناو بزرگ دریایی هند، برقراری رابطه از سوی هند با برخی از کشورهای جنوب آسیا و ترس چین (از محاصره شدن توسط هند، آمریکا و ژاپن) و پاکستان از این مسئله (Mahesar and Others,2016:14).

پاکستان برای چین، به منزله موازنه‌ای در برابر هند (که از حمایت ایالات متحده برخوردار بود) به شمار می‌رفت و چین برای پاکستان نیز متحدی قوی برای مقابله با هند و تضعیف این کشور (برای پس گرفتن کشمیر) بود. روابط نزدیک اسلام آباد با پکن در آن سال‌ها موجب شد که این کشور به عنوان میانجی چین و ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ عمل کند. چین در آن سال‌ها کمک‌های نظامی و اقتصادی زیادی به اسلام آباد می‌کرد و حتی در جنگ هند و پاکستان کمک‌های استراتژیک و تسلیحاتی بسیار به این کشور نمود (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵:۵۲۱-۵۱۹). به عبارت دیگر، روابط چین و پاکستان تا دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بیشتر رنگ و بوی نظامی و دفاعی (و حتی هسته‌ای) داشت. تجهیزات دفاعی و نظامی پاکستان در سال ۱۹۶۶ که از چین تأمین می‌شد، برابر با ۲۵۰ میلیون دلار بود که شامل هواپیماهای جنگی اف-۶ و آ-۵، تانک‌های تی-۵۹ و سلاح‌های متعدد ضد هوایی بود. روابط این دو کشور بعدها جنبه‌های اقتصادی را نیز در بر گرفت، اما با این حال کمک‌های نظامی چین به اسلام آباد همچنان ادامه داشت. به طوری که چین طی سی سال یعنی ۲۰۰۸-۱۹۷۸ حدود ۷ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به پاکستان ارسال کرده است^۱ (Jetly,2012:3). در این بازه زمانی کشورهایی از جمله هند و ایالات متحده در برخی از مواقع نسبت به این اقدام چین اعتراض می‌کردند.

۱- امروزه نیز چین به عنوان بزرگترین حامی تسلیحاتی پاکستان شناخته می‌شود. به طوری که ۴۰ درصد صادرات تسلیحات چین به پاکستان است. (Jetly, 2012:3)

برخی نیز روابط پکن-اسلام آباد را در چارچوب موازنه تهدید تحلیل می‌کنند و معتقدند که احساس تهدید از سمت هند و همچنین دو ابرقدرت عاملی بود که این دو کشور به تقویت هرچه بیشتر روابط خود بپردازند (Khan Afridi, 2015:117). در واقع گسترش روزافزون روابط پکن-اسلام آباد تا دهه ۱۹۸۰ به نفع دو کشور بود. چین به دلیل اختلاف با دو ابر قدرت جنگ سرد و همچنین اختلاف مرزی با هند به عنوان بزرگترین همسایه خود، روابط با اسلام آباد را در جهت منافع خود و فرار از انزوای دانست. ایالات متحده نیز با توجه به اینکه اختلاف زیادی با چین داشت و پاکستان را جزو بلوک خود می‌دانست، از گسترش این رابطه نگران بود. از سویی نگرانی هند و شوروی از چین موجب نزدیک شدن این دو کشور و امضای پیمانی بین آنها در سال ۱۹۷۱ شد. در این سال، اتفاق مهم دیگری رخ داد که آن دیدار (پنهانی) رئیس جمهور آمریکا، نیکسون از دشمن هند، یعنی چین بود که خود نقطه آغازی بر ایجاد روابط دو کشور (چین و آمریکا) بود. این رابطه را که با میانجی‌گری پاکستان صورت گرفت می‌توان از زاویه نزدیک شدن هند و شوروی بررسی و تحلیل کرد. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ چند اتفاق مهم روی داد که بر منطقه جنوب آسیا تأثیر گذاشت. اول انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ و دیگر تهاجم شوروی به افغانستان بود. در این تهاجم که پاکستان احساس تهدید می‌کرد، چین آشکارا پاکستان را حمایت کرده و حضور شوروی در افغانستان را محکوم نمود.

سیاست حمایت چین از اسلام آباد در برابر هند که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (به ویژه در مسئله کشمیر)، در دهه ۸۰ و ۹۰ به بی‌طرفی تغییر پیدا کرد که دلیل اصلی آن، سیاست تنش‌زدایی چین و تأکید بر عامل اقتصاد و پیشرفت اقتصادی (سیاست درهای باز) خود بود. در این سال‌ها پکن حتی به ایجاد رابطه با دهلی‌نو روی آورد (Javaid and Jahangir, 2015:157-158) و با مسکوت گذاشتن اختلافات سیاسی سعی در ایجاد پیوندهای اقتصادی در راستای تحقق منافع خود داشت. هرچند که از نظر برخی، قرار داشتن جامو و کشمیر در طرح کریدور اقتصادی و جاده ابریشم چین، شاید مهمترین دلیل بی‌طرفی چین در مسئله جامو و کشمیر باشد (Wagner, 2016:1). روابط این دو کشور (چین و هند) سرانجام با دیدار راجیو گاندی، نخست‌وزیر هند از چین در سال ۱۹۸۸ و

دیدار کوان کیچن، وزیر امور خارجه چین از هند در مارس ۱۹۹۰ به سمت دوستی و سازش سوق پیدا کرد. در این دیدارها هر دو طرف از امکان پیشرفت‌های اقتصادی سخن به میان آوردند. اما باید گفت که این رابطه، هیچ گونه تأثیری بر روابط چین و پاکستان نداشت و همان‌گونه که وزیر امور خارجه چین بیان داشت، تلاش برای ایجاد روابط دوستانه با هند، تأثیری بر روابط چین با دیگر کشورها نخواهد گذاشت (فرزین نیا، ۱۳۸۸: ۱۸). به طوری که چین در این دهه همچنان پاکستان را برای ساخت تسلیحات هسته‌ای حمایت می‌کرد. نتیجه این امر اعتراض هند به چین و اعمال تحریم‌هایی از سوی سازمان ملل و ایالات متحده برای پاکستان بود. به عبارت دیگر، روابط چین و پاکستان در دهه ۹۰ را می‌توان بیشتر در قالب همکاری‌های نظامی تعریف کرد. مجهز کردن پاکستان به ۳۴ فروند موشک رزمی M-11 در سال ۱۹۹۲، تلاش این کشور برای تأسیس کارخانه ساخت این موشک‌ها در پاکستان و احداث نیروگاه هسته‌ای ۳۰۰ مگاواتی چشمه-۱ در این دهه از مهم‌ترین تحولات نظامی مربوط به این دو کشور است (فرزین نیا، ۱۳۸۵: ۵۲۳). هرچند که روابط این دو کشور در اواخر این دهه با استقرار حکومت طالبان در افغانستان کمی تعدیل شد.

با این حال روابط همزیستی و دوستانه بین پاکستان و چین در حالی صورت گرفت که این دو دارای دو ملت متفاوت، اقتصاد، فرهنگ و نظام سیاسی و اجتماعی متفاوت بودند. این روابط تا حدودی نیز متأثر از شرایط جنگ سرد بود. شهباز حسین، استاد دانشگاه پنجاب و همکارانش طی مقاله‌ای در رابطه با این موضوع چنین بیان می‌کنند که فرهنگ، ایدئولوژی، اقتصاد و دیگر عوامل داخلی، تنها نقش اسمی و ناچیزی در گزینه‌های سیاست خارجی کشورها دارد و در مقابل محدودیت‌های امنیتی ناشی از محیط آنارشیک نظام بین‌الملل نقش مهمی در رفتارها و روابط بازیگران با یکدیگر دارد. از این رو عامل امنیت و تلاش برای توازن قوا در منطقه (به ویژه در برابر رابطه هند-آمریکا) و شرایط ناشی از جنگ سرد، عوامل مهمی در ایجاد رابطه پکن و اسلام آباد به ویژه تا دهه ۹۰ بوده است (Hussain and Others, 2014:593). بعد از سال ۲۰۰۰ و طرح‌های بزرگ اقتصادی چین، پاکستان باز هم نقش مهمی در سیاست خارجی چین یافت و بخش مهمی از تحقق برنامه اقتصادی این کشور شد. به عبارت دیگر علاوه بر عامل سیاسی، اقتصاد نیز باعث محکم‌تر

شدن روابط این دو کشور شده است. از این رو پاکستان همیشه عامل استراتژیک مهمی برای پکن بوده است.

روابط دو کشور بعد از ۲۰۰۱

روابط پکن و اسلام آباد در سال ۲۰۰۱ از چند جنبه دارای اهمیت است. اول اینکه تا سال ۲۰۰۱ طالبان (حکومت دست نشانده پاکستان) بر افغانستان حکومت می‌کرد که با وجود روابط دوستانه چین و پاکستان، پکن طالبان را به عنوان یک تهدید می‌دانست. روابط طالبان و افراط‌گرایان مسلمان استان سین‌کیانگ را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. از سوی دیگر، در همین سال ایالات متحده و ناتو با حمله به افغانستان، پاکستان را به عنوان مهمترین همراه و پایگاه خود انتخاب می‌کنند. این مسئله نیز از آن نظر مهم است که چین و آمریکا رقابت زیادی با هم داشته و دارند. به طوری که برخی از تحلیلگران معتقدند یکی از اهداف مهم واشنگتن در افغانستان، نزدیک بودن و کنترل چین است.

دیدار پرویز مشرف از چین و ملاقات با نخست‌وزیر آن، زو رونگجی، در ژانویه ۲۰۰۰ و دیدار زو رونگجی با پرویز مشرف در می ۲۰۰۱ در پاکستان (که به مناسبت پنجاهمین سالگرد روابط دو کشور صورت گرفت) و تأکید آن‌ها بر گسترش همکاری‌ها نشان از عمق روابط این دو کشور داشت (Daily Star:Jan.2000). اما حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان، پاکستان را به عنوان متحد اصلی واشنگتن در خط مقدم مبارزه با تروریسم و پایگاه مهم آن برای این هدف قرار داد. روابط چین و پاکستان در این دوره همچنان به قوت خود باقی ماند. پرویز مشرف در دسامبر ۲۰۰۱ در سفر خود به چین، حمایت خود را از این کشور در برابر مبارزاتش با مسلمانان اویغوری اعلام کرد (Dawn:Dec.2001). در سال ۲۰۰۳ پس از دیدار پرویز مشرف با رئیس‌جمهور چین، هو جینتائو، قراردادی در زمینه صنایع دفاعی بین دو طرف امضا شد^۱ (Dawn:Nov.2003). در ۶ اوت ۲۰۰۴ نیز، چین و پاکستان اولین عملیات نظامی مشترک ضد تروریسم را با نام "دوستی سال ۲۰۰۴" در

^۲ - در دسامبر همان سال (۲۰۰۳) نیز ارتش پاکستان، حسن محسوم، رهبر مسلمانان ترکستان شرقی چین (اویغورهای سین‌کیانگ) را در مرز پاکستان-افغانستان کشت.

سین کیانگ آغاز کردند. در سال ۲۰۰۵ نیز طی سفر ون جیابائو، نخست‌وزیر چین به اسلام آباد، معاهده دوستی، همکاری و روابط همسایگی خوب و همچنین توافق برای مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی بین دو کشور امضا شد (Xinhuanet, Aug. 2004, Chinadaily, Dec. 2006). روابط این دو کشور در طول زمان دارای فراز و نشیب بوده و در هر دوره‌ای شکل جدیدی به خود گرفته است. روابط این دو کشور که در مقطعی به صورت دیپلماتیک، حمایت‌های سیاسی و نظامی بود، در سال‌های بعد از ۲۰۰۴ بیشتر وجه اقتصادی به خود گرفت. نمودار زیر به خوبی نشان دهنده این موضوع است. این نمودار نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۴ به بعد روابط دو کشور در زمینه اقتصادی مورد توجه بیشتری از سوی دو کشور قرار می‌گیرد (Kayani and Others: 2013: 460).

China-Pakistan Economic Relations

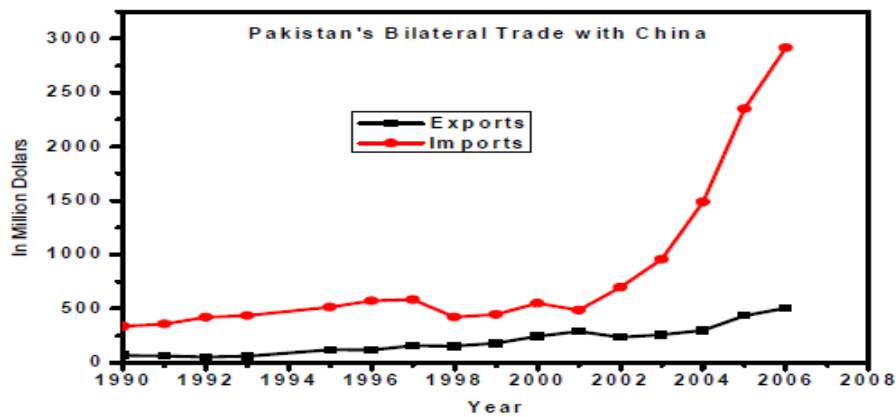
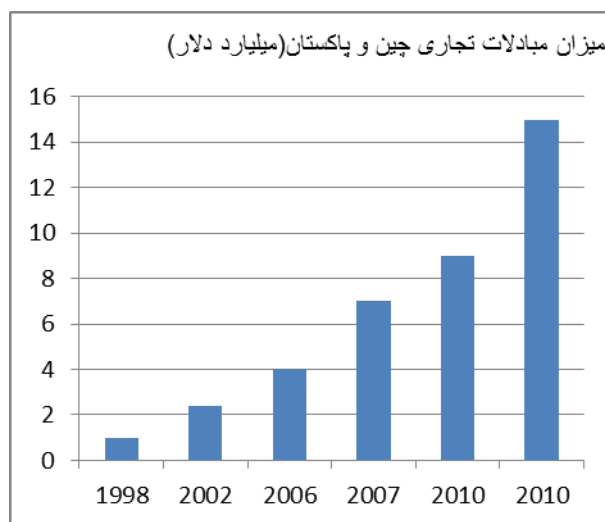


Figure 2 Pakistan's Bilateral Trade with China

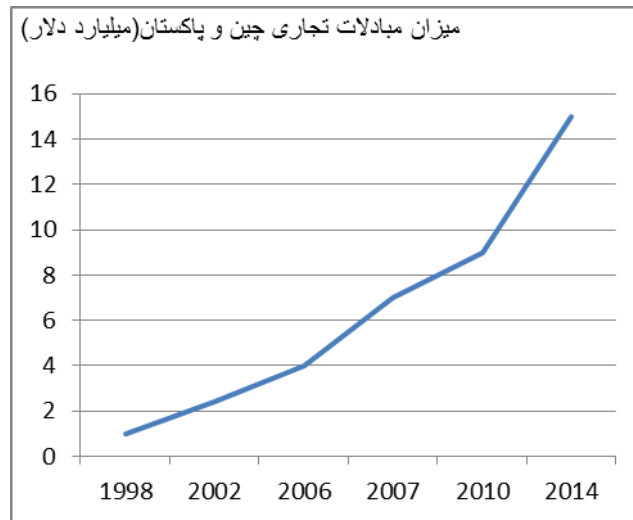
در سال ۲۰۰۵ و در پی دیدار نخست‌وزیر چین از اسلام آباد، پیمان همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور امضا شد که عنوان "دوستی همه جانبه"^۱ بین دو کشور مطرح شد (Shah and Choudhry, 2013: 6). این روابط و همکاری‌های اقتصادی با عنوان "توافقنامه

^۱ - "All Weather Friendship"

تجارت آزاد^۱ در سال ۲۰۰۶ و طرح نقش پاکستان در "کریدور انرژی و تجارت" در همان سال، شدت بیشتری به خود گرفت (Garver, 2012:404)، تا اینکه در سال ۲۰۱۴ به اوج خود رسید. به طوری که روابط تجاری دو کشور از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ (Ramay, 2015:4) به ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲، ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ (Kabraji, 2012:10)، ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ (Curtis and Scissors, 2012:9) و ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید (The Pakistan Business Council, 2013:3). در این زمان اگرچه همکاری این دو کشور در زمینه‌های دیگر از جمله نظامی و هسته‌ای نیز ادامه دارد، اما اقتصاد مهمترین عرصه همکاری این دو کشور در سال‌های اخیر است. به طوری که سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در پاکستان و مبادلات گسترده بین دو کشور باعث شده است که روابط آنها بیشتر با عامل اقتصاد شناخته شود. هرچند که روابط اقتصادی، تقویت‌کننده روابط سیاسی این دو کشور بوده و همچنین حامل پیامدهای سیاسی زیادی به ویژه در سطح منطقه جنوب آسیا بوده است. نمودار زیر بیان‌کننده رشد میزان مبادلات اقتصادی دو کشور تا سال ۲۰۱۴ است.



^۱- توافقنامه تجارت آزاد به معنای از میان برداشتن تعرفه‌های تجاری بین دو کشور بود. پاکستان اولین کشور از جنوب آسیا بود که با چین در این زمینه همکاری کرد.



میزان مبادلات تجاری چین و پاکستان (۱۹۹۸-۲۰۱۴)

روابط اقتصادی چین و پاکستان در اوت ۲۰۰۸ با امضای چندین قرارداد توسط یوسف رضا گیلانی و هو جینتو، و در اکتبر همان سال توسط آصف علی زرداری، رئیس جمهور پاکستان و مقامات سیاسی و سرمایه‌گذاران چینی ادامه پیدا کرد. زرداری در این زمان با شرکت در اجلاس سران آسیا-اقیانوسیه و دیدار با رهبران سیاسی و سرمایه‌گذاران چینی برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری چینی‌ها در پاکستان گفتگو کرد که نتیجه آن سه یادداشت تفاهم در زمینه همکاری‌های اقتصادی (شیلات، انرژی، کشاورزی و ...) و سیاسی در اوت ۲۰۰۹ بین دو کشور بود. در این میان روسای جمهور و مقامات سیاسی این دو کشور دیدارهایی با هم داشته‌اند. برای نمونه در دیدار جولای ۲۰۱۰ زرداری از چین^۱، شش قرارداد و تفاهم‌نامه مرتبط با بخش کشاورزی، بهداشت و درمان، سیستم قضایی، ارتباطات و رسانه، اقتصاد و تکنولوژی بین دو کشور امضا شد (Kataria and Naveed, 2014: 398-400).

در سال ۲۰۱۱ که شصتمین سال روابط دوستانه چین و پاکستان بود، این دو کشور به منظور نظارت بر پیشرفت و اجرای انرژی‌های آبی، حرارتی، زمین گرمایی، سوخت زغال سنگ،

^۱ در دسامبر همان سال نیز، رئیس جمهور چین، ون جیباو از پاکستان دیدار کرد. او در دیدار با مقامات سیاسی و نظامی پاکستان بر تقویت روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور تاکید کرد.

انرژی خورشیدی، بادی و انرژی هسته‌ای، یک گروه کاری انرژی را ایجاد کردند. در این سال ۱۵ هزار نیروی چینی در پاکستان به منظور ۱۵۰ پروژه بزرگ توسعه کار می‌کردند. برخی از تحلیلگران این پشتیبانی‌های اقتصادی چین از پاکستان را، ترس این کشور از پیامدها و خطرات امنیتی ناشی از اقتصاد ضعیف پاکستان می‌دانند (Kabraji, 2012: 17-18). به طوری که برگزاری سومین مانور نظامی مشترک^۱ این دو کشور در سال ۲۰۱۰ که وجهه ضد تروریستی داشت (Chinadaily: Jul. 2010) را نیز در این راستا می‌دانند. اگرچه به گفته مقامات دو کشور، این مانور در راستای حفظ صلح و ثبات در منطقه جنوب آسیا صورت گرفت، اما برخی با ارائه تحلیل‌های متفاوت، برگزاری این مانور را در جهت اهداف دیگر و حامل اثرات و پیامدهای زیادی در سطح منطقه می‌دانند.

در سال ۲۰۱۳ ایده توسعه "کریدور اقتصادی چین و پاکستان"^۲ در پی دیدار لی که‌جیانگ، نخست‌وزیر چین از پاکستان در می‌همان سال مطرح شد. این طرح در واقع کاشغر (در استان اویغور نشین سین کیانگ) در چین را به بندر جنوب غربی پاکستان یعنی گوادر مرتبط می‌ساخت (Ranjan, 2015: 1). بعدها با سفر شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به پاکستان این طرح شکل مناسب‌تری به خود گرفت و با جدیت بیشتری دنبال شد. لی که‌جیانگ نخست‌وزیر چین در دیدار از پاکستان با عنوان کردن چین و پاکستان به عنوان همسایگان خوب و برادران آهنین، بر گسترش بیشتر روابط دو کشور به ویژه در عرصه اقتصادی تأکید کرد. با توجه به گسترش روابط دو کشور در این سال‌ها، پاکستان به دومین شریک بزرگ تجاری چین در جنوب آسیا، و چین به دومین شریک بزرگ تجاری پاکستان و دومین منبع واردات و صادرات بازارهای این کشور تبدیل شده است (Hamid and Hameed, 2016: 2).

^۱ - چین و پاکستان تا قبل از ۲۰۱۰، دو مانور نظامی مشترک دیگر در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ در جهت مبارزه با تروریسم برگزار کردند.

^۲ - China Pakistan Economic Corridor (CPEC)

فصل جدید روابط چین و پاکستان (بعد از ۲۰۱۵)

روابط چین و پاکستان در این دوره را می‌توان با کلیدواژه‌هایی از جمله: کریدور اقتصادی این دو کشور، طرح یک کمربند- یک جاده، سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری چین در این کشور، محور آسیا، شرح داد که خود معلول علل دیگری است که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت. موارد نامبرده دوره مهمی را در کارنامه سیاسی این دو کشور به وجود آورده است. تلاش و سرمایه‌گذاری جدی برای توسعه و موازنه قدرت دو کشور در برابر هند- آمریکا، اختلافات از سر گرفته شده پاکستان با هند در ارتباط با کشمیر، حضور هرچه بیشتر ایالات متحده در دریای جنوبی چین و انجام مانورهای نظامی در آن‌جا، موافقت‌نامه ایران، هند و افغانستان برای توسعه بندر چابهار (کریدور شمال جنوب)، آزمایش موشک‌های مافوق صوت هند (با حمایت ضمنی واشنگتن) و ... در این زمان به طور جدی خود را نشان داده است که موجب می‌شد این دو کشور روابط خود را بیش از پیش مستحکم کنند. در ۲۰ آوریل ۲۰۱۵ شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به پاکستان سفر کرد. این سفر با استقبال با شکوه دولت و ملت پاکستان همراه بود که در پی آن آقای شی از دو کشور با عنوان "برادر" نام برد. آن چه اهمیت این سفر را نزد مقامات دو کشور به ویژه پاکستان و حتی دیگر کشورهای جهان بیشتر کرد، سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری بود که با ۵۱ قرارداد و تفاهم‌نامه بین دو کشور امضا شد (Vandewalle, 2015:4). این سرمایه‌گذاری که بیشتر در جهت طرح کریدور اقتصادی چین-پاکستان انجام گرفت، علل دیگری را نیز به ذهن متبادر می‌سازد. یکی از این علل که با طرح نامبرده در ارتباط است و با آن تعریف می‌شود، "طرح یک کمربند، یک جاده" یا به عبارت دیگر "طرح جاده ابریشم" است. این طرح که از یک سو چین را به جنوب آسیا و سپس به اقیانوس هند مرتبط می‌سازد و از سوی دیگر از آسیای مرکزی گذشته و به اروپا می‌رسد، در این سال‌ها سیاست خارجی چین را به طور گسترده‌ای متوجه آن ساخته است (Ranjan, 2015:2-3).

اهمیت این طرح از آن روست که طرح نامبرده سین‌کیانگ چین را به بندر گوادر مرتبط می‌سازد. این مسئله ارتباط زیادی با انرژی مورد نیاز چین دارد. چین وابستگی بسیار زیادی به انرژی دارد که بیش از ۶۰ درصد آن از طریق خلیج فارس تأمین می‌شود

(Malik, 2012: 58-62). مسیر پکن برای تأمین انرژی خود بدین صورت است که این کشور از خلیج فارس^۱ به اقیانوس هند و سپس از طریق بندر گوادر به وارد کردن انرژی اقدام می‌کند. اقدامات چین برای توسعه بندر گوادر را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. بنابراین کشور پاکستان از این حیث نقش بسیار مهمی را در این میان ایفا می‌کند. طرح جاده ابریشم چین از پاکستان و آسیای مرکزی عبور می‌کند که در این جا نیز نقش پاکستان به عنوان پلی در این میان برجسته می‌شود. پکن برای به انجام رساندن این طرح و محقق کردن اهداف مربوط به این طرح، پاکستان را عامل بسیار مهمی می‌داند.

اجرای این طرح‌ها علاوه بر دلایل اقتصادی، ناشی از دلایل سیاسی دیگر نیز است. طرح کریدور اقتصادی چین-پاکستان که کاشغر واقع در استان سین کیانگ را به بندر گوادر مرتبط می‌سازد، علاوه بر فواید اقتصادی، دلایل سیاسی و امنیتی نیز دارد. استان مسلمان‌نشین سین کیانگ چین دارای گروه‌های افراط‌گرایی است که با طالبان نیز در ارتباط هستند. از آن جایی که چین افراط‌گرایی را یکی از موانع بزرگ خود برای دستیابی به توسعه بیشتر می‌داند و از سوی دیگر بهترین راه‌حل برای جلوگیری از افراط‌گرایی را توسعه اقتصادی این منطقه می‌داند، این طرح (که پاکستان نقش مهمی در آن دارد) را به اجرا در آورده است. اگر از زاویه‌ای دیگر به این موضوع بنگریم، باید گفت که چین به دلیل ارتباط پاکستان با طالبان (و طالبان با افراط‌گرایان سین کیانگ)، این کشور را عامل مهمی در ثبات منطقه جنوب آسیا و هم‌چنین استان سین کیانگ می‌داند. این طرح‌ها و پروژه‌های نامبرده که از سوی چین مطرح و اجرا می‌شود، به این مسائل توجه زیادی دارد. این موارد بیانگر اهمیت هرچه بیشتر منطقه جنوب آسیا به ویژه پاکستان برای چین است.

عوامل بیان شده در بالا، تنها عوامل تأثیرگذار بر روابط چین و پاکستان در سال ۲۰۱۵ نیست. از دیگر عوامل تأثیرگذار می‌توان به نزدیکی هرچه بیشتر واشنگتن و دهلی‌نو و یا به عبارت بهتر موازنه این دو کشور در برابر چین و پاکستان اشاره کرد. روابط هند و

^۱ - چین برای تأمین انرژی خود از طریق خلیج فارس از مزایایی بهره‌مند است، از جمله این که این کشور به واسطه سایه امنیتی ایالات متحده در این منطقه از مزایای تردد و ترانزیت انرژی بهره‌مند می‌گردد. موضوعی که از آن با عنوان "سواری مجانی" یاد می‌شود. (Wakefield and Levenstein, 2011: 41-48)

ایالات متحده در این سالها بسیار به هم نزدیک شده است. به طوری که این دو کشور چند مانور نظامی مشترک انجام داده‌اند که مانور نظامی مشترک دو کشور در مالابار^۱ در اکتبر ۲۰۱۵ از نمونه‌های آن بوده است (Indiagk, Oct.2015). هند اکنون به دومین بازار بزرگ صنایع دفاعی ایالات متحده، بعد از عربستان سعودی تبدیل شده است. فروش سلاح‌های ایالات متحده به هند در چند سال اخیر نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار بوده است. یعنی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، حدود ۱۳٫۹ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی بین دو کشور بوده است و در سال ۲۰۱۵ نیز دو کشور قراردادی به ارزش ۳ میلیارد دلار در زمینه تسلیحات امضا کردند که طی آن ایالات متحده، تجهیزاتی از جمله هواپیما، زیردریایی و تسلیحات نظامی دیگری به هند ارسال کرده است (Nationalinterest, Jun.2016). حال اگر آزمایش موشک‌های مافوق صوت هند در سال ۲۰۱۶ (Sputniknews, Aug.2016) را به این موارد اضافه کنیم، می‌توان درک بهتری از پیوستگی و ارتباط گسترده اقتصادی و سیاسی چین و پاکستان در این سالها به‌دست آورد.

از دیگر عوامل و اقدامات هند در جنوب آسیا که باعث احساس خطر پکن و اسلام‌آباد شده است، قرارداد تجاری در زمینه همکاری‌های استراتژیک با ایران در می ۲۰۱۵ بود که طی آن رشد و توسعه بندر چابهار مورد تأکید قرار گرفته بود (CAPS,2015:1). قرارداد نامبرده دهلی‌نو-تهران، هند را به آسانی با افغانستان مرتبط می‌سازد. هند با این شرایط به گسترش ارتباطات خود با افغانستان و افزایش نفوذ هر چه بیشتر در این کشور خواهد پرداخت. این قرارداد یک سال بعد با حضور افغانستان و با عنوان قرارداد سه‌جانبه هند-ایران-افغانستان برای ترانزیت و توسعه بندر چابهار، شکل جدی‌تری به خود گرفت. سرمایه‌گذاری بیش از ۵۰۰ میلیون دلاری برای توسعه این طرح (Dawn,May.2016)، نشان از اهمیت آن و همچنین تهدیدی برای رشد و اهمیت بندر گوادر به شمار می‌رفت. نگرانی پکن و اسلام‌آباد از موافقت-نامه نامبرده موجب شد که این دو بر سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر برای توسعه بندر گوادر تأکید ورزند. جمهوری اسلامی ایران روابط دوستانه‌ای با دو کشور چین و پاکستان دارد. ایران به دلیل منافع مشترکی که با این دو کشور دارد، به هیچ وجه در صدد آن نیست که با همکاری

¹- Malabar

با هند و افغانستان (به عنوان رقبای دو کشور نامبرده) و به ویژه در طرح توسعه چابهار به رقابت با پاکستان و چین بپردازد. ایران حتی به دنبال سرمایه‌گذاری در طرح کریدور اقتصادی چین و پاکستان نیز هست (Indian Express, Sept. 2016).

در ژوئن و جولای ۲۰۱۶ در کشمیر اعتراضاتی صورت گرفت که هند شورش رخ داده را به شدت سرکوب کرد. اقدامات هند موجب شعله‌ور شدن خشم شورشیانی شد که از طرف پاکستان حمایت می‌شدند (Aljazeera, Jul. 2016). این مسئله به عمیق‌تر شدن بحران روی داده انجامید. به طوری که برخی از نیروهای پاکستانی در کشمیر کشته شدند و کشمیر دوباره به صحنه درگیری‌های بین هند و پاکستان منجر شد. اظهارات مقامات دو کشور مبنی بر اتهام به طرف مقابل و نقش حقوق بشر (NyTimes, Nov. 2016) نشان از عمق بحران روی داده داشت. وضعیت پیش آمده پاکستان را بیشتر به سمت چین، و هند را به سمت ایالات متحده می‌کشاند.

اگر به موارد گفته شده که عوامل مهم نزدیکی چین و پاکستان در سال‌های پس از ۲۰۱۵ و هم چنین زمینه‌ساز موازنه منطقه است، مانورهای نظامی ایالات متحده در دریای جنوبی چین را اضافه کنیم، متوجه چگونگی رقابت و منازعه پنهان این دو کشور (چین و آمریکا) در جنوب آسیا می‌شویم، که بیشتر در قالب حمایت از کشورهای این منطقه در مقابل هم و موازنه در بین آن‌ها خواهیم شد. ایالات متحده که حضور نظامی گسترده و عملیات و مانورهای نظامی خود را در دریای جنوبی چین از مارس ۲۰۱۵ شروع کرده است، با واکنش شدید مقامات چینی همراه بوده است (The Diplomat, Apr. 2016). اگرچه مقامات واشنگتن معتقدند که هیچ‌گونه عملی خلاف با حقوق بین‌الملل در دریای جنوبی چین انجام نداده‌اند (Reuters, Jul. 2016) ولی اقدامات نامبرده منجر به رقابت گسترده پکن و واشنگتن شده که نمود خود را در جنوب آسیا در قالب موازنه و حمایت از کشورهای آن منطقه نشان داده است.

پیامدهای روابط چین و پاکستان بر جنوب آسیا

روابط چین و پاکستان اگرچه از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است، اما بر پایه منافع بلند

مدتی استوار است که منجر به دوستی پایدار این دو کشور شده است. در واقع، اهداف و آینده این دو کشور، آن‌ها را ملزم به برقراری روابط گسترده هر چه بیشتر با یکدیگر کرده است. با این حال، روابط این دو کشور دارای پیامدهایی بوده است. پیامدهای روابط پکن-اسلام‌آباد بر منطقه جنوب آسیا را می‌توان به دو صورت همگرا و واگرا یا مثبت و منفی ارزیابی کرد. از جمله پیامدهای مثبت که در قالب همگرایی صورت می‌گیرد، رشد و توسعه هر چه بیشتر کشورهای جنوب آسیا، همگون‌سازی اقتصادی کشورهای این منطقه، دستیابی به نظم امنیتی مشترک و ... است. در مورد رشد اقتصادی کشورهای جنوب آسیا باید گفت که این کشورها دارای اقتصادی ضعیف هستند که برقراری ارتباط با آنها به ویژه از سمت کشوری مثل چین، می‌تواند تحولی در اقتصاد آن‌ها ایجاد کند. چین از سال ۲۰۰۳ به بعد توجه زیادی را به کشورهای جنوب آسیا نشان داده است. با توجه به رشد و توسعه چین و جایگاه اقتصادی کنونی این کشور، مبادلات و رابطه تجاری با آن می‌تواند تأثیر زیادی بر رشد و توسعه کشورهای مبادله‌کننده داشته باشد. حجم مبادلات کشورهای جنوب آسیا با چین در سال ۲۰۰۳ در زمینه واردات حدود ۲ میلیارد دلار بوده که در سال ۲۰۱۱ به ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. همچنین حجم صادرات این کشورها با چین در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۰ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است (Brunjes, 2013:3-4).

با این حال، روابط دو کشور از سال ۲۰۱۵ از لحاظ سیاسی و امنیتی وارد مرحله جدیدی شده است. به عبارت دیگر، می‌توان یکی از مهم‌ترین یا اولین تأثیرات روابط جدید دو کشور را در قالب ایجاد توازن در جنوب آسیا دانست. این موازنه، در مقابل هند و ایالات متحده صورت می‌گیرد که در سال‌های اخیر نمود بیشتری یافته است. سفر راحیل شریف به چین در اوایل سال ۲۰۱۶ که از آن با عنوان عصر جدید روابط دیپلماتیک دو کشور نام برده شد را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. واگرایی در جنوب آسیا را می‌توان نتیجه موازنه گفته شده دانست که بیشتر به صورت واگرایی‌های سیاسی خود را نشان داده است. تقسیم کشورهای این منطقه به دشمن و دوست در قالب حمایت شونده از سمت ایالات متحده و چین، می‌تواند بحران‌ها و ناآرامی‌های متعددی در منطقه ایجاد کند. تأثیر این مسئله بر نظم امنیتی منطقه احتمالاً روند گسترش افراط‌گرایی را افزون خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

روابط چین و پاکستان به دلیل شرایط ژئوپلیتیک، بین‌المللی و سیاسی موجود در گذشته و حال همیشه مستحکم بوده است. استحکام این روابط، از محدود روابط در سطح عالی و مثال زدنی در بین کشورها بوده است. به طوری که بسیاری از تحلیل‌گران روابط دو کشور را همانند روابط آمریکا-اسرائیل دانسته و پاکستان را اسرائیل چین در جنوب آسیا می‌دانند. روابط دو کشور بعد از ۲۰۱۵ از لحاظ سیاسی، اقتصادی و ... وارد مرحله جدیدی شده است که تأثیراتی بر نظم منطقه جنوب آسیا داشته است. این تأثیرات اگرچه در زمینه اقتصادی، همگرایی را به دنبال داشته اما از لحاظ سیاسی علاوه بر اثرات همگرایی، واگرایی را نیز به همراه داشته است.

رقابت دو کشور نامبرده با هند و ایالات متحده در جنوب آسیا، رقابت واشنگتن و پکن در عرصه‌های گوناگون، این منطقه را به زمین بازی رقابت این کشورها تبدیل کرده است. حضور و نفوذ هر چه بیشتر چین در جنوب آسیا به ویژه بعد از سال ۲۰۱۵ که در قالب دوستی با اسلام‌آباد صورت می‌گیرد، باعث تضاد منافع هر چه بیشتر چین با هند و حتی ایالات متحده شده است. اگر به این موارد رقابت چین و ایالات متحده در دریای جنوبی چین، و دشمنی دیرینه هند و پاکستان که در مسائل اخیر کشمیر به اوج خود رسید را نیز اضافه کنیم، وضعیت نامناسبی را می‌توان برای منطقه جنوب آسیا پیش بینی کرد.

جنوب آسیا دو کشور مهم هسته‌ای را در خود جای داده است که دشمنی دیرینه‌ای با یکدیگر دارند. ریشه افراط‌گرایی اسلامی نیز طی چند دهه در این منطقه دوانده شده است که در صورت هر گونه ناامنی فعال خواهد شد. از سویی دیگر بحران کشمیر به عنوان یکی از حل‌نشدنی‌ترین بحران‌ها و مسائل جهان بعد از جنگ دوم جهانی تاکنون نیز در این منطقه وجود دارد که موضوع مشترک پاکستان و هند است. با توجه به سرمایه‌گذاری عظیم چین در پاکستان که خود نمودی از عمق روابط سیاسی و نظامی دو کشور است، هند برای امنیت هر چه بیشتر خود و داشتن دوستی نیرومند به تقویت هر چه بیشتر روابط خود با ایالات متحده و موازنه در برابر پکن-اسلام‌آباد پرداخته است. ایالات متحده نیز برای حفظ منافع خود در جنوب آسیا و کشورهای این منطقه، و همچنین برای جلوگیری از نفوذ

هرچه بیشتر چین در این منطقه و مهار آن به سمت هند تمایل بیشتری پیدا کرده است. گسترش روز افزون روابط پکن-اسلام‌آباد، همواره از سوی هند و ایالات متحده با سوءظن نگریسته شده و تحرکاتی را از سوی این دو به همراه داشته است.

با توجه به دشمنی دیرینه پاکستان و هند و مسائل حل نشده بین آن دو، اگر چه این احتمال می‌رود که دو کشور چین و آمریکا از منطق خود برای جلوگیری از ایجاد تنش بین دو کشور نامبرده جلوگیری کنند، اما با توجه به رقابت گسترده چند سال اخیر چین و آمریکا که نمود آن در دریای جنوبی چین است، باید گفت که نظم منطقه جنوب آسیا دستخوش دگرگونی‌هایی خواهد شد که کمترین اثر آن امکان فعال شدن هرچه بیشتر شبکه‌های افراط‌گرایی و تروریستی و در نتیجه ناامنی در این منطقه خواهد بود.

منابع و مأخذ

- ۱- فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۵). "پویایی پیچیده روابط پاکستان با چین"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۲ و ۳.
- ۲- فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۸). "روابط هند و چین: همکاری و رقابت"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵.
- 3-Brunjes, Emily and Others (2013). **"China's Increased Trade and Investment in South Asia (Spoiler Alert: It's The Economy)"**, Publications Office La Follette School of Public Affairs.
- 4-CAPS(Centre for Air Power Studies)(2015). **"Chabahar a Strategic Gateway"**, Centre for Air Power Studies(CAPS); Forum For National Security Studies(FNSS).
- 5-Curtis, Lisa; Scissors, Derek(2012). **"The Limits of the Pakistan–China Alliance"**,The Heritage Foundation, No. 2641.
- 6-Garver, John.W(2012). **"The Diplomacy of a Rising China in South Asia"**, Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd.
- 7-Hamid, Akif; Hameed, Huma(2016). **"Pakistan's Print Media Presentation of Pakistan China Relation and New Silk Route Corridor Project (A Case Study of Chinese President Xi Jinping Visit Days)"**, Journal of Political Sciences & Public Affairs, Volume 4 • Issue 1.
- 8-Hussain, syed shahbaz and Others(2014). **Compulsions of Sino-Pakistani Strategic Engagement in lieu of Security Constraints Engendered by the Anarchistic International Political System**, A Research Journal of South Asian Studies Vol. 29, No.2
- 9-Javaid, Umbreen and Jahangir, Asifa(2015). **"Pakistan-China Strategic Relationship: A Glorious Journey of 55 Years"**,JRSP, Vol. 52, No. 1
- 10-Jetty, Rajshree(2012). **Sino-Pakistan Strategic Entente: Implications for Regional Security**, Institute of South Asian Studies (ISAS). No. 143.
- 11-Kabraji, Roshin(2012). **"The China-Pakistan Alliance: Rhetoric and Limitations"**, Chatham House, Asia Programme Paper ASP.
- 12-Kataria, Jafar Riaz; Naveed, Anum(2014). **"Pakistan-China Social and Economic Relations"**, Research Journal of South Asian Studies. Vol. 29, No.2.
- 13-Kayani, Farrukh Nawaz and Others(2013). **China-Pakistan Economic Relations: Lessons for Pakistan**, Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences 2013, Vol. 7 (3).
- 14-Khan Afridi, Manzoor(2015). **"An Era of Climax of Cordiality In Sino-Pakistan Relations"**, International Journal of Social Science Studies, Vol. 3, No. 3.

15-Mahesar, Ali Mahesar and Others(2016). **Pakistan-China Relations: Thinking through an Indian lens**, International Journal of Scientific Research and Innovative Technology ISSN: 2313-3759 Vol. 3 No. 3

16-Malik, Hasan Yaser(2012). **“Strategic Importance of Gwadar Port”**, Journal of Political Studies, Vol. 19, Issue. 2.

17-Ramay, Shakeel Ahmad(2015). **“China Pakistan Economic Corridor; A Chinese Dream Being Materialized Through Pakistan”**, Sustainable Development Policy Institute(SDPI).

18-Ranjan, Alok(2015). **“The China-Pakistan Economic Corridor: India’s Options”**, The Institute of Chinese Studies, No. 10.

19-Shah, Ahmed Hussain; Choudhry, Ishtiaq Ahmad(2013). **“Pak-China Diplomatic and Military Relations: An Analysis”**, Berkeley Journal of Social Science, Vol.3

20-The Pakistan Business Council(2013).**“Preliminary study on Pakistan and China trade partnership post FTA”**, The Pakistan Business Council(PBC).

21-Vandewalle, Laurence(2015). **“Pakistan and China: 'Iron brothers' forever?”**, Policy Department, Directorate-General for External Policies.

22-Wagner, Christian(2016). **The Effects of the China-Pakistan Economic Corridor on India-Pakistan Relations**, Stiftung Wissenschaft und Politik(SWP).

23-Wakefield, Bryce and Levenstein, Susan L. (2011). **“China and The Persian Gulf; Implications for the United States”**, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Washington, D.C.

سایت

-Aljazeera(2016). **“Kashmir violence: Security or political problem?”**, Available in:

<http://www.aljazeera.com/programmes/insidestory/2016/07/kashmir-conflict-security-political-problem-160713145502287.html>

-chinadaily(2006). **“Joint drill boosts anti-terror co-operation”**, Available in: http://www.chinadaily.com.cn/china/2006-12/19/content_762063.htm.

-Chinadaily(2010). **“China, Pakistan holding joint military exercises”**, Available in: http://www.chinadaily.com.cn/china/2010-07/03/content_10054204.htm.

-Dailystar(2000). **“Musharraf receives strong support from China”**, Available in: <http://www.thedailystar.net/news/musharraf-receives-strong-support-from-china>.

-Dawn(2001). “**Ties with China to stay strong: CE**”, Available in: <http://www.dawn.com/news/11613>.

-Dawn(2003). “**Pakistan, China sign 8 accords: Defence industrial cooperation, preferential trade included**”, Available in: <http://www.dawn.com/news/123203/pakistan-china-sign-8-accords-defence-industrial-cooperation-preferential-trade-included>

-Dawn(2016). “Iran, India, Afghanistan sign transit accord on Chabahar port”, Available in: <http://www.dawn.com/news/1260176>

-Indianexpress(2016). “Iran keen to become part of China-Pak Economic Corridor: Pakistan”, Available in: <http://indianexpress.com/article/world/world-news/iran-keen-to-become-part-of-china-pak-economic-corridor-pakistan-3044072/>

-Indiagk(2015). “Exercise Malabar 2015”, Available in: <http://www.indiagk.net/2015/10/exercise-malabar-2015.html>

-Nationalinterest(2016). “**How Obama Revived U.S.-Indian Relations**”, Available in: <http://nationalinterest.org/feature/how-obama-revived-us-indian-relations-16473?page=show>

-NyTimes(2016). “Fighting Intensifies Between India and Pakistan on Kashmir Line of Control”, Available in:

<https://www.nytimes.com/2016/11/23/world/asia/india-pakistan-kashmir-fighting.html?rref=collection%2Ftimestopic%2FKashmir>

-Reuters(2016). “U.S. says its forces will keep operating in South China Sea”, Available in: <http://www.reuters.com/article/us-southchinasea-ruling-usa-idUSKCN1000PD>

-Sputniknews(2016). “India to Test BrahMos Supersonic Nuclear-Capable Cruise Missiles from Su-30s”, Available in: <https://sputniknews.com/military/201608071044034036-india-russia-jet-missile-military/>

-Thediplomat(2016). “What's Behind US Military Moves in the South China Sea?”, Available in: <http://thediplomat.com/2016/04/whats-behind-us-military-moves-in-the-south-china-sea/>

-xinhuanet(2004). “China, Pakistan hold joint military drill”, Available in: http://news.xinhuanet.com/english/2004-08/07/content_1730307.htm